

نقل به معنی در حدیث، علل و پیامدهای آن^۱

مجید معارف^۲

چکیده:

یکی از مبانی فهم حدیث توجه به وضعیت حدیث از جهت الفاظ و عبارات اولیه و احیاناً میزان نقل به معنای واقع شده در آن است. بررسی تاریخ حدیث نشان می‌دهد که به دلیل برخی از موانع بر سر راه تدوین حدیث، احادیث معصومان(ع)، خاصه احادیث نبوی عمدتاً دچار نقل به معنی شده و این موضوع پیامدهایی در فهم مقاصد حدیث به بار آورد. البته به دلیل اضطرار در امر نقل به معنا، این موضوع با شرایط و ضوابط خاصی مجاز اعلام گردید. این مقاله درصدد بررسی اصل پدیده نقل به معنی، شناخت پیامدهای آن و نیز بیان حدود و شعور نقل به معنای مجاز ساماندهی شده است.

کلید واژه‌ها: حدیث، فقه الحدیث، نقل به الفاظ، نقل به معنی، جواز و منع.

طرح مسأله

از مسائلی که در نظام تدوین حدیث دامنگیر بسیاری از روایات شده، وقوع نقل به معنی

۱- این مقاله در ارتباط با طرح پژوهشی «اصول و مبانی فقه الحدیث» مصوب دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، تحقیق و نگارش شده است.

۲- استاد دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران. E-mail:Maaref@quranhadith-ngo.ir

است. این امر علل چندی دارد که از همه مهمتر عدم نگارش به موقع حدیث در زمان پیامبر(ص) (صالح، ۴ الی ۹) و ممنوعیت نگارش و تدوین آن پس از رحلت آن بزرگوار است. (معارف، تاریخ عمومی حدیث، ۶۷ الی ۷۲) نتیجه عدم کتابت و تدوین سریع حدیث، حافظه ای شدن اکثر روایات و نقل و انتقال شفاهی آن توسط راویان و حاملان حدیث گردید. (عتر، ۲۲۸) گرچه برخی از شواهد تاریخی حکایت از قوت حافظه در اعراب صدر اسلام دارد، (عجاج خطیب، ۱۳۶)، اما با گذشت زمان و بروز عارضه پیری که به طور طبیعی به فراموشی می‌انجامد (الحج، ۵)، ضعف حافظه بسیاری از راویان نمایان شد و در نتیجه روایات آنها با زیاده و نقصان و تغییر عبارات اولیه همراه گشت (ابوریه، ۸۰). این عوامل سبب شد که در کتابهای علوم حدیث سوالاتی به طور جدی طرح شده، اهتمام محدثان به یافتن پاسخ مناسب برای آنها مصروف شود. سوالاتی چون:

2 1- نقل به معنی از نظر تاریخی امری واقعی است یا وهمی؟ به عبارت دیگر اختلافات متنی حدیث ناشی از وقوع نقل به معنی است یا از علل دیگری از جمله صدور مکرر یک حدیث ناشی شده است.

2 2- در صورت واقعی بودن نقل به معنی، این کار در حوزه حدیث جایز است یا خیر، و در صورت جواز حدود و ثغور آن چیست؟

2 3- پیامدهای نقل به معنی - نسبت به اصالت حدیث - چیست؟ و خصوصاً نقل به معنی چه تأثیری بر فهم درست مقاصد حدیث دارد؟

درآمدی بر موضوع

نقل به معنی در مقابل نقل به الفاظ قرار دارد. در نقل به الفاظ راوی موظف به حفظ دقیق عبارات و کلمات حدیث بوده و این کار را از طریق حفظ حدیث در حافظه یا ثبت و نگارش حدیث در دفاتر انجام می‌دهد و انجام امور یاد شده شاخصه ضابط بودن روای است. (الجدیع، ۲۵۲ الی ۲۵۵) اما در نقل به معنی راوی موظف به حفظ حدیث با الفاظ و عبارات آن نیست بلکه معانی و مفاهیم روایات را با عبارات خود به دیگران انتقال می‌دهد، چنانکه گاه به صلاح حدیث خود را مختصر و احیاناً تقطیع کرده و از نقل کامل آن

صرف نظر می کند. (معارف، تقطیع حدیث، علل و پیامدهای آن، ۶۵، قاسمی، ۲۲۱) بدون شک نقل به معنی در حدیث و یا اختصار آن بر اصالت حدیث تأثیر گذاشته و در شرایطی موجب تحریف مقاصد حدیث می گردد. این امر نه تنها در میان مسلمانان به عنوان عارضه‌ای نسبت به روایات مورد مطالعه قرار گرفته (ابوریه، ۹۸ از قول بطلیوسی) بلکه از ناحیه مستشرقان و مخالفان اسلام به عنوان طعنی بر روایات وارد شده است. (عتر، ۲۲۹) لذا یکی از مباحث مهم در اکثر کتابهای علوم حدیث بحث از نقل به معنی در حدیث و ضوابط منع و جواز آن است. این موضوع در عصر حاضر در میان دانشمندان اهل سنت از اهمیت خاصی برخوردار شده و بحث های مفصلی را از ناحیه آنان به وجود آورده است. اما به شهادت قرائن تاریخی - که از نظر خواهد گذشت - همین مساله در زمان صادقین (ع) به صورت جدی طرح شده و حدود و ضوابط نقل به معنای مجاز در روایات آن دو بزرگوار روشن گردید. در این مقاله نخست جایگاه نقل به معنی و شرایط آن در منابع اهل سنت بررسی شده، سپس همین موضوع در روایات و آثار شیعه مورد مطالعه قرار می گیرد.

۱- بررسی واقعیت تاریخی نقل به معنی

وقوع نقل به معنی در حدیث واقعیتی غیر قابل انکار است. برخی از محققان نقل به معنی را امری متعارف در زندگی اجتماعی می دانند که در مقام نقل حدیث دامن روایات را هم گرفته است. (صباغ، ۱۴۸). اکثر دانشمندان با فرض وقوع آن، در کتابهای خود بابهایی در منع و جواز آن ترتیب داده‌اند که از قدیمی ترین آن می توان از خطیب بغدادی در «الکفایة فی معرفة الروایة» (۲۰۵ الی ۲۴۸) و رامهرمی در «المحدث الفاصل بین الراوی و الواعی» (ص ۵۳۳ الی ۵۴۰) یاد کرد. در این کتابها می توان با موافقان و مخالفان قدیمی نقل به معنی در طبقه صحابه، تابعین و تابع تابعین آشنایی به هم زد. (همانجاها) ظاهراً نخستین کسی که در این باره به طور مشبع سخن رانده و مطالب مهمی در خصوص شرایط راوی در نقل روایت و نیز استدلال بر جواز نقل به معنی به میان آورد، شافعی (م ۲۰۳) است. (رامهرمی، ۵۳۰ و نیز نک به سخاوی، ۱۴۴/۳ و عجاج خطیب، ۱۳۲). به تصریح برخی از محققان نقل به معنی پدیده‌ای است که در بسیاری از مواقع محدث ناگزیر

به انجام آن بوده است. زیرا ضبط دقیق الفاظ روایات (به ویژه در سده‌های نخست)، امری دشوار بوده که جز تعداد کمی از راویان موفق به انجام آن نشدند. (صباغ، ۱۴۷) طبق نقل ذهبی، ابوحاتم می‌گفت: در بین محدثان کسی را مشاهده نکردم که بتواند حدیث را با همان الفاظش روایت کند مگر قبیصه و ابونعیم در حدیث سفیان و جز یحیی حمانی در حدیث شریک و علی بن جعد در روایتش. (همانجا به نقل از المیزان). در همین زمینه سخنی از مکحول در ملاقات با واثله بن اسقع باقی مانده که قابل توجه است. وی گوید: من و ابوالزهر بر واثله وارد شدیم و گفتیم: ای ابوالاسقع حدیثی از رسول خدا (ص) که خود شنیده‌ای برای ما نقل کن بدون آنکه بر حدیث وهم ونسیانی واقع شده باشد. ابوالاسقع گفت: آیا از شما کسی هست که از قرآنی که دیشب خوانده، آیاتی بخواند. گفتیم: آری. واثله گفت: آیا الف یا واو یا حرف دیگری در قرائت شما کم و زیاد نمی‌شود؟ گفتیم: چرا چون ما حافظ عبارات قرآن نیستیم. واثله گفت: قرآن در پیش روی شما قرار دارد و شما شب و روز به آموزش و قرائت آن مشغول هستید و باز با زیاده و نقصان قرائت می‌کنید، چگونه ما حدیثی را که یک بار یا دو بار از رسول خدا (ص) شنیده‌ایم به همان صورت بیان کنیم. اگر حدیث را برحسب معانی آن برای شما بازگو کنیم همان برای شما کافی است. (خطیب بغدادی، ۲۳۹، رامهرمزی، ۵۳۳ و نیز نک: دارمی، ۹۳/۱ اعظمی، ۱۶۲) در همین زمینه محمدبن سیرین می‌گفت: «اسمع الحدیث من عشرة، المعنی واحد و اللفظ مختلف» (خطیب بغدادی، ۲۴۲) و سفیان ثوری در پاسخ به شاگردان خود که از وی نقل به الفاظ روایات را مطالبه می‌کردند می‌گفت: «سبحان الله، چه کسی می‌تواند از عهده این کار برآید، ما فقط معانی روایات را بازگو می‌کنیم» (همانجا، ۲۴۴) و نیز حسن بصری ضمن تأکید این نکته به شاگردان خود که: «إذا أصبت المعنی اجزاک» (رامهرمزی، ۵۳۳)، خاطر نشان می‌ساخت که اگر نقل به معنی نبود ما از نقل حدیث خودداری می‌کردیم. (نقل از صباغ، ۱۴۴)

علی‌رغم شواهد یاد شده برخی از محققان معاصر بر این باورند که نقل به معنی - جز به ندرت - در روایات پیامبر (ص) وارد نشده و روایات مطابق با وضعیت اولیه باقی مانده‌اند و دلیل آن هم اهتمام صحابه پیامبر (ص) به ضبط و حفظ الفاظ روایات بوده است. عجاج خطیب در یک ادعای نویسد: «از امور غیر قابل شک آنکه همه صحابه برنقل و ادای حدیث همانگونه

که از پیامبر (ص) شنیده بودند، حرص داشتند به گونه‌ای که برخی از آنان به تبدیل حرفی از حدیث به حرف دیگر راضی نمی‌گشت». (همو، ۱۲۶) و پس از ذکر این مطلب که صحابه و تابعان علاوه بر ضبط دقیق الفاظ و روایات به ثبت و کتابت آن نیز اهتمام داشته‌اند (همانجا، ۱۳۵) تعلیل دیگری درباره اختلاف عبارات یک حدیث بیان داشته می‌نویسد: «بسیاری از شواهدی که به‌عنوان نقل به معنی از رسول خدا (ص) روایت شده به مسأله نقل به معنی ارتباط ندارد، بلکه به تعدد مجالس پیامبر (ص) باز می‌گردد و رسول خدا (ص) به تناسب درک مخاطبان هر بار به گونه‌ای پاسخ می‌داد و چه بسا افراد مختلف از مسأله‌ای واحد، سوالاتی کرده و رسول خدا (ص) نیاز هر یک را با الفاظ و عباراتی متفاوت با دیگری برآورده می‌ساخت». (همانجا، ۱۳۷) عجاج خطیب در همین بحث به نقد آراء ابوریه در مسأله «نقل به معنی» پرداخته و با استناد به سخنان عبدالرحمن بن یحیی المعلمی، اختلاف صیغه‌های تشهد در بین اصحاب پیامبر (ص) را نیز امری طبیعی اعلام می‌کند که همگی معلول آموزش‌های پیامبر (ص) است (نک: همانجا، ۱۳۸ الی ۱۴۰ و نیز معلمی، ۸۳) در صورتی که باید گفت وقوع نقل به معنی در حدیث از نظر تاریخی امری قطعی و غیر قابل انکار است که شواهد آن در آثار قدمای اهل سنت امثال خطیب بغدادی وارد شده است، به گونه‌ای که محققان معاصر نیز که دل‌بند الفاظ روایات پیامبر (ص) هستند، قادر به انکار وقوع نقل به معنی در شمار کثیری از روایات نمی‌باشند (ر.ک به عجاج خطیب، ۱۴۲ و ۱۴۳، صباغ، ۱۴۷، عتر، ۲۲۷ و ۲۲۸) به همین سبب موضوع نقل به معنی از نظر منع و جواز به موضوعی «جدلی الطرفین» تبدیل شده و مخالفان و موافقان به وجود آورد که هر یک در راستای نظریه خود به اقامه دلایلی روی آوردند.

۲- ادله مخالفان و موافقان نقل به معنی

گفته شد که نقل به معنی در حدیث، مخالفان و موافقان بسیاری داشته که تاریخ به ثبت اسامی آنها پرداخته است. مطابق برخی از شواهد: ابن عمر، قاسم بن محمد، محمد بن سیرین، رجاء بن حیوة، علی بن مدینی، مالک بن انس (نسبت به روایات نبوی) ثعلب، ابوبکر رازی، ابوبکر بن عربی (جز برای صحابه) از مخالفان و مانعان نقل به معنی بوده‌اند. (خطیب

بغدادی، ۲۰۵ الی ۲۲۰ در روایات مختلف، سخاوی، ۱۴۰، رامهرمزی، ۵۳۷، صباغ، ۱۴۱، ابوریه، ۷۷) در مقابل از علی (ع)، ابن عباس، انس بن مالک، ابوالدرداء، واثله بن اسقع، ابوهریره (در صحابه) و حسن بصری، شعبی، عمرو بن دینار، ابراهیم نخعی، مجاهد، عکرمه (در طبقه تابعین) و نیز بسیاری از دانشمندان و پیشوایان دینی مانند شافعی به عنوان موافقان نقل به معنی نام برده شده است. (خطیب بغدادی، ۲۳۹ الی ۲۴۶، رامهرمزی، ۵۳۷، سخاوی، ۱۳۹، صباغ، ۱۴۳، قاسمی، ۲۲۱)

موافقان نسبت به مخالفان از فزونی چشمگیری برخوردارند. (همانجاها) در عمل هر دو گروه نسبت به عقیده خود دلایلی ارائه کرده‌اند که در این قسمت به فشرده‌ای از آنها اشاره می‌گردد.

2 ۱-۲- ادله مخالفان نقل به معنی: مخالفان نقل به معنی به ادله چندی توسل جسته‌اند که اکثر آنها جنبه نقلی روایی داشته و برخی نیز از ادله عقلی، به شمار می‌رود. مهمترین دلیل نقلی آنان استناد به حدیث پیامبر (ص) است که می‌فرماید: «نُصِرَ اللهُ امرأَ سَمِعَ منا حَدِيثًا فَأَدَى كَمَا سَمِعَهُ فَرَبِّ مَبْلَغِ اَوْعَى مِنْ سَامِعٍ». (خطیب بغدادی، ۲۰۷) که در این حدیث مراد از «ادای حدیث همانگونه که شنیده شده است» نقل به الفاظ در حدیث است با این کار، راوی حدیث را به افقه از خود منتقل کرده و چه بسا راوی افقه استفاده‌هایی از حدیث کند که بر راوی اول - که از نظر فقهی پایین تر از او بوده - مخفی باشد. (نقل از ابوریه، ۷۹) و دیگر استناد به حدیث وارده از براء بن عازب است که رسول خدا (ص) دعایی به او تعلیم فرمود و چون براء در مقام تکرار دعا به جای: «وبنیک الذی ارسلت»، عبارت «و برسولک الذی ارسلت» را به زبان آورد، رسول خدا (ص) برسینه او زده و تذکر داد که همان صورت «بشیک...» را بخواند. (خطیب بغدادی، ۲۰۹، نیز تفصیل را نک ابوریه، ۸۰ به نقل از بخاری، مسلم، نسایی و ترمذی) اما از جمله ادله عقلی مخالفان نقل به معنی آنکه: «آنان معتقدند که به تجربه ثابت شده که با گذشت زمان علمای فن مطالبی از عبارات آیه یا حدیث استنباط می‌کنند که علمای سابق به آن بی توجه بوده‌اند. لذا تمام فوائد الفاظ و عبارات حدیث برای مخاطبان نخست حدیث - هر چند که فقیه و باهوش باشند - معلوم نمی‌گردد، اگر نقل به معنا جایز باشد، صورت اصلی حدیث از بین رفته و تفاوت فاحشی در مقاصد حدیث به بار خواهد آمد. با آنکه راوی حدیث

تصور می‌کند که چنین تفاوتی وجود ندارد». (صباغ، ۱۴۳، ابوریه، ۷۹) نیز مخالفان نقل به معنی استدلال کرده‌اند که: در صورتی که نقل به معنی برای راویان اولیه و نسبت به حدیث رسول الله (ص) - به عنوان شارع - جایز بوده باشد، این کار برای راویان بعدی از جواز بیشتر برخوردار می‌شود. چرا که این راویان در عباراتی تصرف می‌کنند که انتساب به شارع ندارد. اما از آنجا که در هر بار نقل به معنی حدیث مقداری از اصل خود دور می‌شود با تکرار چندنوبت نقل به معنی، تفاوتی فاحش بین مقاصد اولیه و نهایی حدیث به وجود خواهد آمد به طوری که بین وضع اولیه حدیث و صورت نهایی آن مناسبتی وجود نخواهد داشت (نقل از صباغ، ۱۴۳، ابوریه، ۷۹ با اندکی تصرف، نیز، معارف، تاریخ عمومی حدیث، ۱۵۳)

2-2-2 ادله موافقان نقل به معنی: در مقابل ادله‌ای که از ناحیه مانعان و مخالفان نقل به معنی گذشت، موافقان نقل به معنی ادله بیشتری بر جواز آن اقامه کرده‌اند که این ادله بعضاً ماهیت قرآنی، روایی، تاریخی و عقلی دارد. از جمله آنکه معتقدند که: جواز نقل به معنی در درجه نخست از قرآن به دست می‌آید و قرآن گاه سرگذشت و حادثه واحدی را با الفاظ و عبارات گوناگون - در سوره‌های مختلف - طرح می‌کند که به عنوان مثال از سرگذشت موسی و بنی اسرائیل می‌توان سخن به میان آورد. (خطیب بغدادی، ۲۳۶، رامهرمزی، ۵۳۰، سخاوی، ۱۴۴/۳، صباغ، ۱۴۴) این موضوع قابل توجه برخی از محققان شیعه نیز قرارداد که بر پایه آن ترجمه آزاد آیات قرآن قابل شکل‌گیری است (بهبودی، معارف قرآنی، ۱۹۱) نقل به معنا در روایات که جای خود دارد.

در ادامه استدلالهای قرآنی برخی از محققان از جمله شافعی به موضوع نزول قرآن بر اساس حروف هفتگانه و رخصت قرائت قرآن بر اساس هر یک از این حروف اشاره کرده‌اند و معتقدند در شرایطی که قرائت قرآن با هر یک از حروف هفتگانه جایز باشد، به تبع اولی نقل به معنای روایات با عبارات مورد نظر راویان - از باب سهولت حدیث گویی - اشکالی نخواهد داشت.^۱ (نقل از سخاوی، ۱۴۴/۳)

۱- این موضوع از عقاید دانشمندان و مفسران اهل سنت است که البته از نظر شیعه عقیده ای مردود بوده و با ادله زیادی رد شده است. نک خویی، ۱۶۹ با عنوان: «هل نزل القرآن علی سبعة احرف؟!»

دلیل دیگری که از ناحیه موافقان نقل به معنا اقامه شده، مساله جواز ترجمه قرآن و روایات برای ملل غیر عرب است. این امر در پی گسترش سرزمین های اسلامی و گرایش ملل غیر عرب به اسلام به عنوان نیازی جدی مطرح شد، رسول خدا(ص) نیز در حیات خود به ارسال پیام به سران برخی از جوامع مبادرت فرمود که قهراً پیام های آن حضرت به زبان آنها ترجمه می‌گشت و در شرایطی که ترجمه متون دینی به زبان غیر عربی جایز باشد، نقل به معنی در حدیث که نوعی جایگزینی عبارات عربی به عبارات عربی دیگر است، از اولویت بیشتری برخوردار خواهد بود. (علی طه، ۳۶۵ و ۳۶۶، صباغ، ۱۴۴، عجاج خطیب، ۱۳۳، سخاوی به نقل از خطیب بغدادی، ۲۳۵)

اما از ادله مهم روایی در جواز نقل به معنی، که در منابع اهل سنت به چشم می‌خورد، حدیث عبدالله بن سلیمان اکیمه لیبی است که در مقام صدور جواز نقل به معنی وارد شده، در این حدیث راوی به پیامبر (ص) عرض می‌کند: من از شما روایاتی می‌شنوم اما نمی‌توانم آنها را همانگونه که شنیده‌ام برای دیگران نقل کنم بلکه دچار کم و زیاد می‌شوم. حضرت فرمود: «اگر حلالی را حرام و حرامی را حلال نکنید و معانی را برسانید مانعی ندارد». (خطیب بغدادی، ۲۳۴، صباغ، ۱۴۲)

در ذیل این حدیث معمولاً این سخن از حسن بصری آمده است که او می‌گفت: «اگر این حدیث نبود ما محدثان روایتی نقل نمی‌کردیم.» (همانجاها)

به نظر می‌رسد که دستور العمل یاد شده کلید حل مشکل نقل به معنی در روایات است، لذا در بیشتر منابع به آن استناد شده است. اما سوالی که مطرح است آنکه: آیا در عهد رسول خدا(ص) مسئله حدیث گویی و نقل به الفاظ یا نقل به معنی در آن حد رائج شد که راویان جهت حل مشکل به پیامبر(ص) مراجعه کرده و تقاضای دستورالعمل کنند؟ یا آنکه بعدها به جعل همین دستورالعمل مبادرت شده است. برخی از ناقدان حدیث با عنایت به نکته اخیر به جعلی بودن حدیث تصریح کرده و روشن کرده‌اند که درسند این حدیث ولید بن سلمه قرار دارد که مورد تکذیب قرار گرفته و به گفته ابن حبان، از واضعان حدیث بوده است. (اعظمی، ۱۶۳)

دلیل دیگری که از ناحیه موافقان نقل به معنی ارائه شده استناد به سیره صحابه است به این صورت که: مطالعه سیره صحابه نشان می‌دهد که آنان احادیث را از پیامبر(ص) شنیده و

بدون آنکه آن را بنویسند و یا آن را تکرار کنند، به خاطر سپرده و گاه سالها بعد به نقل آن مبادرت می‌کردند. روشن است که در این شرایط الفاظ روایات در خاطر انسان باقی نمی‌ماند، بلکه تنها معانی روایات به خاطر مانده و قابل انتقال خواهد بود. لذا روایات بسیاری در دست است که علی‌رغم اختلاف عبارات، معانی آنها واحد و مشترک است. وقوع چنین پدیده‌ای در حوزه حدیث، خود دلیل جواز نقل به معنی است، ضمن آنکه تعدی که نسبت به الفاظ قرآن وجود دارد، در مورد سنت درکار نیست و در شرایطی که معنای روایات قابل ضبط و حفظ باشد، از بین رفتن آنچه مقصود نیست، ضرری نخواهد داشت. (نقل از ابوریه، ۸۰) لذا قاسمی پس از یاد کرد موافقان نقل به معنی می‌نویسد: «الفاظ صحابه در نقل حدیث پیامبر(ص) با یکدیگر اختلاف دارد. برخی از آنان حدیث را کامل نقل می‌کردند، برخی به نقل به معنای روایات بسنده می‌کردند و برخی هم به اختصار حدیث می‌پرداختند، لذا الفاظ روایات آنها نسبت به یکدیگر متفاوت است. این وسعت و رخصتی بود که آنان از آن استفاده کردند، مادام که حدیث به معنای مخالف خود تبدیل نمی‌گشت، نیز هیچکدام از آنان به عمد دروغ نگفته‌اند بلکه همگی در حد معانی شنیده‌های خود راست و درست گفته‌اند و این نهایت وسع آنان بود». (همو، ۲۲۱)

موافقان نقل به معنی در قسمت دیگری از تلاشهای خود به نقدهای مخالفان نیز پاسخ دادند. از جمله آنکه نسبت به حدیث: «نصر الله امرأ سمع مقالتي...» گفتند: این حدیث خود بیش از هر کلام دیگر دستخوش نقل به معنی شده، چون با عبارات متفاوتی که همگی معنای مشترکی دارند در منابع حدیثی وارد شده و حتی خطیب بغدادی خود درباره وجوه گوناگون این حدیث کتاب مستقلی تألیف کرد. (خطیب بغدادی، ۲۳۷، نیز وجوه این حدیث را نک به همانجا، ۲۳۶ و ۲۳۷) ضمن آنکه به عقیده آنان مراد عبارت نبوی که می‌فرماید: «ثم اداها كما سمع» ادای معانی و مقاصد حدیث است تا الفاظ و ظواهر آن. (صباغ، ۱۴۵)

و در پاسخ به این اشکال که نقل به معنای مکرر، چیزی از واقعیت حدیث بر جای نمی‌گذارد گفتند: جواز نقل به معنی مشروط به انطباق معنای حدیث از وضعیت اولیه با وضعیت نهایی آن است که در کتب ثبت شده است. اگر معنای یک حدیث به درستی ثبت و منتقل نگردد، نقل به معنی جایز نخواهد بود (صباغ، ۱۴۷)

۳- جمع‌بندی نظرات موافقان و مخالفان نقل به معنی و بیان ضوابط

پس از بیان دیدگاه‌های موافقان و مخالفان باید گفت: از آنجا که موافقان نقل به معنی از کمیت بیشتری برخوردار بوده و ادله آنها استوارتر از ادله مخالفان بود، از طرفی روایات بجا مانده از پیامبر (ص) کم و بیش متأثر از نقل به معنی شده بود، عملاً جواز نقل به معنی بر عدم آن ارجحیت پیدا کرد، در نتیجه علمای اهل سنت به بررسی ضوابط مناسب نقل به معنی پرداختند. چراکه هر گونه هرج و مرج در این زمینه به ایجاد تحریف شدید در روایات منجر می‌گشت و باید گفت: مخالفان نقل به معنی و موافقان آن در نقاط مشترکی نیز با هم تلاقی پیدا کردند. مثلاً در شرایطی که قاضی عیاض به عنوان مخالف نقل به معنی گفته است: «شایسته است که باب نقل به معنی بسته شود تا آنکه در نقل حدیث شایستگی لازم ندارد - اما تصور می‌کند که در این خصوص شایسته است - بر امر حدیث گویی تسلط پیدا نکند» (نقل از صباغ، ۱۴۲، ابوریه، ۸۲)، ابن صلاح به عنوان موافق نقل به معنی گفت: «محدثی که در صدد نقل به معنای شنیده‌های خویش است، در صورتی که به معانی و مقاصد الفاظ عالم و آگاه نباشد، و نیز نسبت به معانی محال (که نسبت آن به شارع جایز نیست) خبیر و به مقدار تفاوت الفاظ بصیر نباشد، بی هیچ خلافی این کار برای او جایز نبوده و بلکه لازم است که حدیث را بدون هیچ تغییری با همان الفاظ اصلی روایت کند». (همو، ۳۲۲) ابن صلاح به همین ترتیب نقل به معنی را برای آگاهان به معانی و مقاصد حدیث جایز دانسته و معتقد است که سیره سلف - از صحابه و تابعان و نیز بیشتر دانشمندان - بر همین منوال مستقر بوده است، به شرط آن که راوی مطمئن و قاطع از انتقال معنای حدیث باشد لذا می‌نویسد: «و الاصح جواز ذلك في الجميع اذا كان عالماً بما وصفناه قاطعاً بأنه ادى معنى اللفظ الذى بلغه و ان ذلك هو الذى تشهد به احوال الصحابة و السلف الاولين و كثيراً ما ينقلون معنى واحداً في امر واحد بالفاظ مختلفة و ما ذلك الا لان معولهم كان على المعنى دون اللفظ». (همانجا، ۳۲۲ و نیز جواز و شرایط نقل به معنی را نک در خطیب بغدادی، ۲۳۲ الی ۲۳۷، عتر، ۲۲۸، قاسمی، ۲۲۸ و صالح، ۸۰ الی ۸۲)

این صلاح درعین حال تذکرات مفیدی هم به طالبان حدیث می‌دهد که در مقام نقل به معنی مدّ نظر قرار بدهند، مثل آنکه: اصولاً نقل به معنی امری متعلق به دوره‌های قبل از تدوین حدیث بوده و امروز که روایات در بطون کتب و تصانیف ثبت شده است، موضوعیت چندانی ندارد. و دیگر آنکه: راوی در مقام نقل به معنی باید از عباراتی استفاده کند که احتیاط وی را در مقام نقل به معنی نشان دهد مثل این که بگوید: چنین یا چنان عباراتی وارد شده که پیامبر (ص) فرمود و چنین سیره‌ای از اصحاب پیامبر (ص) که ارباب لسان و آگاه ترین مردم به معانی کلام بوده‌اند نیز رسیده است. (همانجا، ۳۲۲ با اندکی تلخیص، عجاج خطیب، ۱۳۰)

۴- نقل به معنی در روایات شیعه

مساله نقل به معنی در حدیث شیعه نیز کم و بیش واقع شده است، اما بین نقل به معنی در شیعه و اهل سنت تفاوت کیفی و چشمگیری وجود دارد، زیرا همانگونه که گذشت روایات نبوی در قرن نخست ماهیت شفاهی داشت و لذا مکرر دچار نقل به معنی گشت. اما در شیعه از یک طرف امامان (ع) به موضوع کتابت و تدوین حدیث اهتمام وافر داشتند و اصحاب خود را اکیداً به آن سفارش می‌کردند. (معارف، پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، ۱۵۱ الی ۱۶۹) و از طرف دیگر با بروز مشکل نقل به معنی در دوره صادقین (ع) این دو بزرگوار ضمن تأکید بر ارجحیت نقل به الفاظ و عدم توسل به نقل به معنی به صورت عمدی، پدیده نقل به معنی را تحت کنترل قرار داده و ضوابط آن را برای اصحاب خود تعیین کردند. در این خصوص روایات گوناگونی به همراه توضیحات فقه الحدیثی برخی از شارحان وجود دارد که فشرده‌ای از آنها در اینجا نقل می‌گردد:

2 ۴-۱- ابوبصیر گوید: از امام صادق (ع) درباره آیه: «فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه» (الزمر، ۱۸) توضیح خواستم. آن حضرت فرمود: «در این آیه مراد از عباد کسی است که حدیث را می‌شنود و به نقل آن همانگونه که شنیده، اقدام می‌کند. نه چیزی به آن اضافه می‌کند و نه چیزی از آن می‌کاهد.» (کلینی، ۵۱/۱)

ابوبصیر در حدیث دیگری ذیل آیه یاد شده از یکی از دو امام باقر (ع) و صادق (ع) نقل می‌کند که: «هم المسلمون لال محمد (ص) اذا سمعوا الحدیث اذوه کما سمعوه، یزیدون و لا

یتقصون» (مجلسی، ۱۵۸/۲ به نقل از الاختصاص) در توضیح هر دو حدیث باید گفت: در شرایطی که در تفاسیر شیعه و اهل سنت «احسنه» به «احسن القول» تعبیر شده و نقش آن مفعول به دانسته شده است (از جمله نک: طبرسی، ۷۷/۸، زمخشری، ۱۲۱/۴، فخر رازی، ۲۶۰/۲۶)، اما به نظر می‌رسد که امام (ع) تفسیر دیگری از آیه به دست می‌دهد که مبتنی بر فرض جدیدی در مورد نقش «احسنه» است، آن فرض مفعول مطلق در نظر گرفتن «احسنه» یعنی «احسن الاتباع» است، زیرا بهترین شکل پیروی از یک سخن - خاصه سخنان اهل بیت (ع) - نقل بی‌کم و کاست آن سخن و سپس عمل به مضمون آن است که در پاسخ امام باقر (ع) یا صادق (ع) به ابوبصیر مورد تأکید قرار گرفته است، به همین جهت کلینی و مجلسی این حدیث در بابهای «روایة الحدیث» و «آداب الروایه» آورده‌اند (کلینی، ۵۱/۱، مجلسی، ۱۵۸/۲) و مخصوصاً مجلسی تأکید می‌کند که احادیث یاد شده از قرائن ارجحیت نقل به الفاظ است (همو، ۱۶۴/۲ و ۱۶۵) 2

۲-۴-۲- محمد بن مسلم نقل می‌کند که به امام صادق (ع) عرض کردم: من از شما حدیث شنیده، اما در مقام نقل دچار زیاده و نقصان می‌شوم. امام (ع) فرمود: «اگر در صدد انتقال معانی باشی اشکالی ندارد.» (کلینی، ۵۱/۱)

2 ۳-۴-۳- داود بن فرقد گوید: به امام صادق (ع) گفتم: من از شما احادیثی می‌شنوم. در نظر دارم آنها را همانگونه که شنیده‌ام بازگو کنم، اما نمی‌شود. امام صادق (ع) فرمود: آیا در این موضوع عمدی داری؟ گفتم: نه. باز فرمود: در صدد هستی که معانی را نقل کنی؟ گفتم: آری. امام (ع) فرمود: پس اشکالی ندارد. (همانجا)

ملاحظه می‌شود که مفاد این حدیث با حدیث قبلی برابری در صورتیکه امام صادق (ع) از محمد بن مسلم هیچ پرسشی به عمل نیارود و تنها فرمود: «ان كنت تريد المعاني فلا بأس» دلیل این مطلب آن است که محمد بن مسلم از فقهای اهل بیت (ع) و از اصحاب اجماع دسته نخست است (نک طوسی، اختیار الرجال، ۳۸۳/۱ الی ۳۹۶) و نیازی به سؤال و شرط‌گذاری برای او نبوده است.

2 ۴-۴-۴- جمیل بن دراج نقل می‌کند که امام صادق (ع) فرمود: «اعربوا حدیثنا فاننا قوم فصحاء» (کلینی، ۵۲/۱)

مفهوم حدیث یاد شده و ارتباط آن با بحث نقل به معنی در گرو توجه به معنی یا معانی «اعراب» است. کلمه اعراب در اصل لغت به معنای ابانه و اظهار است. (ابن منظور، ۵۸۸/۱، انیس ۵۹۱/۲، فجال، ۱۲۰/۱ و مجلسی، ۱۶۳/۲ که می‌نویسد: «الاعراب: الابانة و الافصاح») اما در معنای اصطلاحی «اعراب الحدیث» سه احتمال قابل تصور است که هر یک سهمی از تبیین درست حدیث و اظهار آن را به عهده دارد. این احتمالات عبارتند از:

ن ۴-۴-۱- تلفظ صحیح و بی کم و کاست عبارات حدیث، به طوریکه حدیث به خطا و لحن ادبی و امور دیگری چون اختصار، تقطیع یا تقدیم و تأخیر دچار نشود. خطیب بغدادی باب مفصلی را در الکفایه به این موضوع اختصاص داده و از قول بزرگان فن حدیث تعبیری نقل کرده که «اعراب» را در مقابل «لحن» به کار برده‌اند. مثل این سخن ابوجعفر که: «لابأس بالحدیث اذا کان فیه اللحن ان یعربه». (نک همانجا، ۲۲۹ الی ۲۳۲)

ن ۴-۴-۲- درک نقش کلمات حدیث، تشخیص درست مرجع ضمائر و دقت در دقائق نحوی آن. (نک به عکبری در کتاب: اعراب الحدیث النبوی)

ن ۴-۴-۳- واضح و شیوا بیان کردن معانی و محتوی حدیث که این معنا به بحث نقل به معنی ارتباط پیدا می‌کند و ظاهراً همین معنا بیشتر مراد امام (ع) است. زیرا در حدیث دیگری از امام صادق (ع) وارد شده که: «اذا اصبت معنی حدیثنا فاعرب عنه بما شئت» (مجلسی، ۱۶۳/۲)، علاوه بر آن ذیل «فانّا قوم فصحاء» نشان می‌دهد که احادیث اهل بیت (ع) باید به گونه‌ای نقل شود که پیچیده و گنگ نشده و عوامل مخل به فصاحت کلمه یا کلام در آن وجود نداشته باشد. (نک: هاشمی، ۶ الی ۱۱ و ۲۲ الی ۲۷) لذا یکی از شارحان می‌نویسد: «منظور امام این است که اگر عین الفاظ حدیث را در دفاتر خود ثبت و یادداشت نکرده‌اید و در نتیجه می‌خواهید معانی حدیث را با الفاظ و تعبیرات خودتان بیان کنید، با تعبیرات فصیحی حدیث ما را پپرورانید تا حق سخن ادا شده باشد. زیرا که ما خود مردمی فصیح و سخندانیم و سخن مجمل و نامفهوم نمی‌گوئیم». (بهبودی، گزیده کافی ۱۵۱/۱)

از روایات گذشته می‌توان اساس دیدگاههای امامان (ع) در بحث نقل به معنی به شرح زیر عنوان کرد:

2 الف - نقل به الفاظ روایات بر نقل به معنای آنها ارجحیت دارد.

۲ ب - نقل به معنای روایات امری مجاز است مشروط به آن که:

ن ب - ۱- معانی و مقاصد روایات به درستی انتقال پیدا کند.

ن ب - ۲- الفاظ و عبارات حدیث خلاف موازین ادبی نبوده و به عبارتی دیگر

عاری از رکالت لفظی باشد.

و باید اضافه کرد که این تعلیمات همان است که بعدها در کتابهای علوم حدیث با عنوان شرایط و ضوابط نقل به معنی از ناحیه محدثان مورد بحث قرار گرفت. (تفصیل را

نک: مجلسی، ۱۶۳/۲ و ۱۶۴، مامقانی، غفاری، ۲۱۹)

۵- پیامدهای نقل به معنی

نقل به معنی اگرچه با شرایط جواز همراه باشد، معهداً پیامدهایی نسبت به اصالت حدیث ایجاد می‌کند که حداقل دو مورد آن عبارتند از:

۲ ۵-۱- پیامدهای ادبی - بلاغی: تردیدی نیست که پیامبراسلام(ص) از فصیح‌ترین

افراد زمانه خود بوده و به گونه‌ای که اصطلاح شده: «هوافصح من نطق بالضاد» (مجلسی،

۱۶۳/۲، صالح، ۸۳) و امامان اهل بیت (ع) نیز همگی از موهبت فصاحت کلام برخوردار

بوده‌اند. (کلینی، ۵۱/۱ از قول امام صادق(ع) و مجلسی، ۴۵ / ۱۳۸ از قول امام سجاد(ع)) در

نقل به معنی اصالت الفاظ و عبارات حفظ نشده و معانی آنها با عبارات راویان نقل می‌گردد

که قطعاً از جهت فصاحت و بلاغت به درجه عبارات پیشوایان معصوم(ع) نمی‌رسد، لذا قابل

مشاهده است که بسیاری از احادیث رسیده، خاصه احادیث پیامبر(ص) اسلام، از نظر وضعیت

عبارات، معمولی بوده و دقائق خاصی خصوصاً از جنبه‌های بلاغی ندارد، این نکته‌ای است

که ادیب معاصر عرب مصطفی صادق رافعی به آن اشاره کرده و پس از ذکر محسنات بلاغی

سخنان پیامبر(ص) که ماهیتی وحی گونه دارد می‌نویسد: «آن گونه نیست که هر چه به

عنوان حدیث و روایت پیامبر(ص) وجود دارد، از نظر الفاظ و عبارات منتسب به آن

حضرت(ص) باشد بلکه بسیاری از روایات نقل به معنی شده است و الفاظ و عبارات آن

به راوی انتساب دارد و به دلیل جواز نقل به معنی سیبویه و دیگر بزرگان نحو و لغت - از

کوفه و بصره - در بحث های خود تنها به قرآن و منقولات صحیح رسیده از عرب، استشهاد

می‌کردند، اما اگر تدوین حدیث در صدر اول شایع بوده و راویان موفق به کتابت و تدوین شنیده‌های خود از پیامبر (ص) با همان کلمات و عبارات می‌شدند، زبان عرب شأن و منزلت دیگری پیدا می‌کرد. (ابوریه، ۱۰۸ به نقل از اعجاز القرآن و البلاغة النبویه)

از دیگر پیامدهای ادبی نقل به معنی وقوع لحن و خطا در بین روایات بود. به همین سبب بعدها این بحث در میان محدثان به وجود آمد که آیا راوی حق دارد به تشخیص خود به اصلاح متن حدیث پرداخته و خطاهای آن را برطرف کند یا نه و نیز آیا راوی حق دارد با صلاحدید خود به تقدیم و تأخیر اجزای حدیث بپردازد که البته پاسخ هر دو مورد از نظر محدثان مثبت بود. (صالح، ۷۸) لذا اوزاعی می‌گفت: «لابأس باصلاح اللحن و الخطأ فی الحدیث». (نقل از ابوریه، ۱۰۹) در این خصوص شواهد زیادی وجود دارد که خطیب بغدادی در الکفایه و رامهرمزی در المحدث الفاصل آنها را آورده‌اند (نک خطیب، ۲۲۹، ۲۸۵، ۲۸۷، ۲۸۸، رامهرمزی، ۵۲۴ الی ۵۲۵ و نیز بنگرید به ابوریه، ۱۰۸: اللحن و الخطاء فی الحدیث و ۱۱۰: التقديم و التأخیر فی الحدیث و الزیادة و النقص)

2 ۵-۲- پیامدهای معنوی (فقه الحدیثی): اما مهمترین پیامد نقل به معنی، انحراف در معنا و مقصود روایات و در نتیجه وقوع اضطراب در ناحیه سند و متن احادیث است.^۱ نقل به معنی یکی از عوارض روایات به شمار آمده که اختلاف بسیاری از روایات، از آن ناشی می‌گردد و به گفته جزائری این موضوع به ایجاد اختلاف بین امت اسلامی نیز انجامیده است. (ابوریه، ۹۷ به نقل از توجیه النظر) استفاده از رخصت نقل به معنی حتی سبب پیدایش اختلاف بین محدثان بزرگی چون بخاری و مسلم شده است. زیرا مسلم در مقایسه با بخاری بیشتر مقید به کتابت و ضبط الفاظ روایات بود و به عکس بخاری پیش از مسلم به حفظ روایات و سپس نگارش آنها اشتهاار دارد. و در نتیجه بعضی از روایات خود را به صورت نقل به

۱- حدیث مضطرب حدیثی است که متن یا سند آن به گونه‌های متعدد روایت شده، که امکان ترجیح یکی از صورتهای آن بر صورت دیگر وجود ندارد. خواه این اختلاف از ناحیه راویان مختلف باشد و خواه یک راوی حدیثی را به دو شکل روایت کند، منشأ ضعف در چنین حدیثی به چگونگی حفظ و ضبط راویان ارتباط دارد. (تفصیل رانک صالح، ۱۹۳ الی ۱۹۸)

معنی درج کرده در پاره‌ای روایات اختلاف او و مسلم و دیگر محدثان قابل مشاهده است. (ابوریه، ۹۲ حدیث نماز در بنی قریظه و نیز نک: صالح، ۸۶) ابوریه با آوردن مثالهای مختلف دامنه نقل به معنی در روایات اهل سنت را نمایانده است. (همو، ۸۹ الی ۹۶) بنابراین تتبع، برخی از اعمال و سنن دینی مانند اذکار تشهد نیز از عارضه نقل به معنی مصون نمانده است و در عین حال این اذکار از ذکر صلوات بر پیامبر(ص) عاری و تهی است و همین موضوع موجب اختلاف فتاوی بزرگان اهل سنت نسبت به وجوب یا عدم وجوب صلوات بر پیامبر(ص) (در نماز) شده است به طوری که ابوحنیفه و اصحاب او قائل به عدم وجوب صلوات بر پیامبر(ص) شده اند و به عکس شافعی ذکر صلوات بر پیامبر(ص) را از شرایط صحت تشهد اعلام کرده است.^۱ (همانجا، ۸۵)

نتایج مقاله

- ۲ ۱- نقل به معنی از عوارض وارده بر احادیث است که ناشی از عدم کتابت سریع و به موقع روایات است.
- ۲ ۲- به دلیل مواظبت امامان شیعه (ع) بر صیانت حدیث از نظر لفظ و معنی، نقل به معنی کمترین تأثیر را بر اصالت حدیث شیعه به بار آورد. ضمن آنکه صادقین (ع) پیشگام در تعیین ضوابط نقل به معنای مجاز بوده‌اند.
- ۲ ۳- نقل به معنی از جهات ادبی و معنوی تأثیرهایی بر احادیث گذاشته‌است در عین حال به عنوان واقعیتهای اجتناب‌ناپذیر از نظر شیعه و اهل سنت با شرایطی مجاز اعلام گردید که اهم این شرایط عبارتند از:
 - غ ۳-۱- معانی روایات به طور کامل انتقال یابد.
 - غ ۳-۲- عبارات احادیث از رکالت لفظی در امان مانده و برخوردار از فصاحت ظاهری باشد.

۱- در مورد مثال‌های نقل به معنی در روایات شیعه نک به غفاری، ما مقانی، ۲۷۲ با عنوان «کون الحدیث لفظ المعصوم(ع) او نقل بالمعنی، معارف، مقاله اجمال و تبیین در روایات، ۲۳۶ با عنوان: نقل به معنی در روایات)

کتابشناسی

- ۱- قرآن مجید.
- ۲- ابوری، محمود، اضواء علی السنة المحمدیه، بیروت، موسسه الاعلمی، [بی تا].
- ۳- اعظمی، عبدالرحمن، معجم مصطلحات الحدیث و لطائف الاسانید، ریاض، ۱۴۲۰ هـ ق.
- ۴- ابن صلاح، عثمان بن عبدالرحمن، معرفة انواع علم الحدیث، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۳ هـ ق.
- ۵- ابن منظور، جمال الدین مکرم، لسان العرب، بیروت، دارالفکر، [بی تا].
- ۶- انیس ابراهیم و دیگران، المعجم الوسیط، تهران، انتشارات ناصر خسرو، (افست).
- ۷- بهبودی، محمداقر، معارف قرآنی نشر سرا، ۱۳۸۰ هـ ش.
- ۸- همو، گزیده کافی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۳ هـ ش.
- ۹- الجدیج، عبدالله بن یوسف، تحریر علوم الحدیث، بیروت، موسسه الریان، ۱۴۲۵ هـ ق.
- ۱۰- خطیب بغدادی، احمد بن علی، الکفایة فی معرفة الروایه، بیروت، دارالکتب العربی، [بی تا].
- ۱۱- خوبی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار الزهراء، ۱۴۰۸ هـ ق.
- ۱۲- دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن، السنن، نشر استانبول، ۱۴۰۱ هـ ق.
- ۱۳- رامهرمزی، قاضی، حسن بن عبدالرحمن، المحدث الفاصل بین الراوی و الواعی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۴ هـ ق.
- ۱۴- زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف... بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ هـ ق.
- ۱۵- سخاوی، ابو عبدالله محمد بن عبدالرحمن، فتح المغیث بشرح الفیه الحدیث للعراقی، قاهره، مکتبه السنة، ۱۴۲۴ هـ ق.
- ۱۶- صالح، صبحی، علوم الحدیث و مصطلحه، قم، منشورات رضی، ۱۳۶۳ هـ ش.
- ۱۷- صباغ، محمد بن لطفی، الحدیث النبوی، مصطلحه، بلاغته، کتبه، بیروت، المکتب الاسلامی، ۱۴۱۸ هـ ق.
- ۱۸- طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، قم، موسسه آل البيت، ۱۴۰۴ هـ ق.
- ۱۹- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۸ هـ ق.
- ۲۰- عجاج خطیب، محمد، السنة قبل التدوین، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ هـ ق.
- ۲۱- عتر، نورالدین، منهج النقد فی علوم الحدیث، دمشق، دارالفکر، ۱۴۰۸ هـ ق.
- ۲۲- علی طه، عزیزه، منهجیه جمع السنة و جمع الاناجیل، مکتبه المسجد النبوی، ۱۴۱۷ هـ ق.
- ۲۳- عکبری، ابوالبقاء عبدالله بن حسین، اعراب الحدیث النبوی، جده، دارالمنازه، ۱۴۰۸ هـ ق.

- ۲۴- فجال، محمود، السير الحثيث الى الاستشهاد بالحديث في النحو العربي، رياض، اضاء السلف ۱۴۱۷ هـ.ش.
- ۲۵- قاسمی جمال الدین، قواعد التحديث، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۳۹۹ هـ.ش.
- ۲۶- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ هـ.ش.
- ۲۷- مامقانی، غفاری، تلخیص مقباس الهدایه به تحقیق صانعی پور، انتشارات سمت، ۱۳۸۴ هـ.ق.
- ۲۸- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار...، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۳ هـ.ق.
- ۲۹- معارف، مجید، تاریخ عمومی حدیث، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۷۷ هـ.ش.
- ۳۰- همو، اجمال و تبیین در روایات، مطالعات اسلامی مشهد به شماره ۶۵ و ۶۶، ۱۳۸۳ هـ.ش.
- ۳۱- همو، پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، تهران، انتشارات ضریح، ۱۳۷۴ هـ.ش.
- ۳۲- همو، تقطیع حدیث، علل و پیامدهای آن، پژوهش دینی شماره ۱۰، ۱۳۸۴ هـ.ش.
- ۳۳- معلمی، عبدالرحمن بن یحیی، الانوار الکاشفه...، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۳ هـ.ق.
- ۳۴- هاشمی سید احمد، جواهر البلاغه فی المعانی و... قم، انتشارات مصطفوی، ۱۳۷۱ هـ.ش.

Archive of SID